



آنچه از نحسی 13 نمی دانید!

در گذر زمان، ۱۳ فروردین با مطالبی پیوند خورد تا روزی باشد که باید آن را به در کرد و از شر بلاهایش به طبیعت پناه برد.

در گذر زمان، ۱۳ فروردین با مطالبی پیوند خورد تا روزی باشد که باید آن را به در کرد و از شر بلاهایش به طبیعت پناه برد. حتی نحسی سیزده تا آنجا بالا گرفت که تا چند دهه قبل، کسی حق نداشت روز سیزده بدر برای دید و بازدید جایی برود؛ مگر این که خودش را برای شنیدن لقب نحس و بدیمن آماده می کرد. دید و بازدید رفتن در روز ۱۳ فروردین در تهران قدیم به معنی نحوست بردن به خانه دیگری بود و هنوز هم در بعضی از شهرهای کوچک گفته می شود که تمام بلاهای یک سال در روز سیزده فروردین نازل می شود و مهمان ناخوانده این روز، کسی است که بلاها با قدم او به خانه میزبان می آیند!

13 در دیگر ملل دنیا

نحوست عدد ۱۳ فقط به مرزهای ایران محدود نمی شود. سیزده در بسیاری از کشورها عدد بدیمنی است. به همین دلیل، مسیحیان هیچ وقت سیزده نفری سر یک میز غذا نمی خورند. خرافاتی های امریکا مبتکر عدد ۱۲+۱ بوده اند و مردم سوئد، اگر تعطیلات آخر هفته شان به سیزدهم بیفتد می گویند هفته نحسی در راه دارند. خرافات درباره نحسی ۱۳ تا جایی بالا گرفته است که در بعضی از خطوط هواپیمایی، صندلی شماره سیزده وجود ندارد و بعد از صندلی ۱۲ هواپیما، صندلی ۱۴ قرار دارد!

13 و مسیحیان

برخی از محققان عقیده دارند که اعتقاد به نحوست عدد سیزده اثری است که از ارتباط و مجاورت با عالم مسیحیت به زرتشتیان و بعد از آنان مسلمانان انتقال پیدا کرد. چون یهودای اسخریوطی یکی از دوازده حواری مسیح، نقشه کشید تا مسیح را تسلیم مخالفانش کند و او سیزدهمین فردی بود که به جرگه مسیح و یازده شاگرد دیگرش در آمده بود، مسیحیان سیزده را نحس دانستند. چون با سیزده نفره شدن جمع مسیح و یارانش، مسیح گرفتار و محاکمه و به دار آویخته شد.

13 و یهودیان؛ جشن ایران&zwjz& کشی!

بر مبنای کتاب استر، «هدسه یا استر» به همراه عده&zwjz& ای از زنان زیبا در روز جشن تاجگذاری خشایار شاه به قصر آمده تا با همکاری پسر عمویش مردخای که قیم او نیز هست هامان وزیر خشایار شاه را برکنار کرده و بکشند. بعد از هامان، مردخای را جانشین وی می&zwjz& کنند. آنها سپس از خشایار شاه اجازه کشتن دشمنان یهود را در 3 روز متوالی می&zwjz& گیرند. خشایار شاه به خواست یهودیان دستور قتل ایرانیان را می دهد. این جمع در این 3 روز 70 هزار نفر از ایرانیان که در میانشان زنان و کودکان نیز قرار داشتند، با بی&zwjz& رحمی تمام به قتل رسانده و اموالشان را به غارت می&zwjz& برند.

گفتنی است یهودیان هنوز هم با گذشت 26 قرن به مناسبت این پیروزی و قتل عام بی&zwjz& سابقه تاریخی جشن می&zwjz& گیرند. آنها در این روز لباس&zwjz& هایی شبیه شخصیت&zwjz& های داستان پوشیده و با بازی&zwjz& کردن نقش&zwjz& های آنها این جنایت بزرگ را تجدید خاطره می&zwjz& کنند. این نسل&zwjz& کشی بی&zwjz& سابقه مطابق با روز 13 فروردین بوده است. این نحسی 13 که برخی از آن اسم می برند مرتبط با پوریم و این نسل کشی است که ایرانیان را وادار کرد در این روز سراسیمه از خانه و کاشانه&zwjz& شان فرار کنند و سر به کوه و صحرا بگذارند.

این نسل&zwjz& کشی را می&zwjz& توان نوعی هولوکاست به حساب آورد. هولوکاستی که در طی 3 روز 70 هزار ایرانی به قتل رسید. هولوکاستی که تبدیل به یکی از بزرگترین جشن&zwjz& های آیینی یهودیان شده است. یهودیان در این روز برای شکرگزاری به درگاه خدا روزه گرفته و به رقص و پایکوبی می&zwjz& پردازند. جشن پوریم که در برخی از نقاط اروپا و آمریکا برگزار می&zwjz& شود به جشن ایران&zwjz& کشی نیز مشهور است. این جشن براساس داستانی در تورات است.

استر نام آخرین دفتر از کتاب تورات است. این کتاب در اواخر عهد هخامنشی و یا پس از آن نوشته شده است. بنابر نوشته بسیاری از مورخین و کارشناسان تاریخ، مطالب کتاب استر تماماً در خدمت مصالح رباخواران حاکم بر جهان، یعنی صهیونیست ها و فراماسون ها است. این کتاب عمق نفرت و انزجار تند برخی یهودیان نسبت به غیر یهودیان به ویژه ایرانیان را نشان می دهد. شدت و تندی نفرت بحدی است که خاخام ها و فقیهان قوم یهود در سده اول میلادی مطمئن

و متفق القول نبودند که آیا باید کتاب استر را در کتاب مقدس بیاورند یا نه؟ این جشن گرفتن یهودیان در تمام دنیا در حالی صورت می‌گرفت که کشته شدن به ناحق حتی یک انسان جنایتی بزرگ محسوب می‌شد؛ و این جنایت چیزی جز نژاد پرستی و بی‌ارزشی یک قوم نیست. یهودیانی که هیتلر را متهم به یهودی سوزی (هولوکاست) نموده‌اند، باید به پیشینه سیاه تاریخی خود برگردند و هولوکاست واقعی را در تاریخ اقوام خود جستجو کنند. در جنگ جهانی دوم یهودیان، میلیون‌ها مسیحی را کشتند و در ادامه، راه کشتار در فلسطین را در پیش گرفتند و هزاران تن از مسلمانان و مسیحیان به دست صهیونیست‌ها قتل عام می‌شدند.

13 و ماجرای اصحاب الرس
در رابطه با سیزده، میتوان به ماجرای نیز اشاره کرد که در تفسیر نمونه جلد 15 صفحه 93 و 94 ذیل آیات مربوط به اصحاب الرس (فرقان/38 و ق/12) آمده است. در عیون اخبار الرضا از امام علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) از امیرمؤمنان حدیثی طولانی درباره اصحاب رس نقل شده که فشرده آن چنین است: آنها قومی بودند که درخت صنوبری را می پرستیدند و به آن شاه درخت می گفتند، و آن درختی بود که یافث فرزند نوح بعد از طوفان در کناره ای به نام روشن آب غرس کرده بود آنها دوازده شهر آباد داشتند که بر کنار نهری به نام رس بود، این شهرها به نامهای: آبان، آذر، دی، بهمن، اسفندار فروردین، اردیبهشت، خرداد تیر، مرداد و شهریور و مهر نام داشت که ایرانیان نامهای ماههای سال خود را از آنها گرفته اند. آنها به خاطر احترامی که به آن درخت صنوبر می گذاشتند، بذر آن را در مناطق دیگر کاشتند و نهری برای آبیاری آن اختصاص دادند به گونه ای که نوشیدن آب آن نهر را بر خود و چهارپایانشان ممنوع کرده بودند، حتی اگر کسی از آن میخورد او را به قتل می رساندند، و می گفتند این مایه حیات خدایان ما است و شایسته نیست کسی از آن چیزی کم کند!

آنها در هر ماه از سال، روزی را در یکی از این شهرهای آباد عید می گرفتند و به کنار درخت صنوبری که در خارج شهر بود می رفتند، قربانیها برای آن می کردند و حیواناتی سر می بریدند و سپس آنها را به آتش می افکندند، هنگامی که دود از آنها به آسمان برمی خاست در برابر درخت به سجده می افتادند و گریه و زاری سر می دادند! عادت و سنت آنها در همه این شهرها چنین بود تا اینکه نوبت به شهر بزرگی که پایتخت پادشاهشان بود و نام اسفندار داشت می رسید، تمامی اهل آبادیها همه در آن جمع می شدند و دوازده روز پشت سر هم عید می گرفتند و [روز سیزده به بیرون شهر و نزد آن صنوبر می رفتند و] آنچه در توان داشتند قربانی می کردند و در برابر درخت سجده می نمودند.

هنگامی که آنها در کفر و بت پرستی فرو رفتند، خداوند پیامبری از بنی اسرائیل به سوی آنها فرستاد تا آنها را به عبادت خداوند یگانه و ترک شرک دعوت کند، اما آنها ایمان نیاوردند، پیامبر برای قلع ماده فساد از خدا تقاضا کرد، آن درخت بزرگ خشکید، آنها هنگامی که چنین دیدند سخت ناراحت شدند و گفتند این مرد خدایان ما را سحر کرده! بعضی دیگر گفتند: خدایان به خاطر این مرد که ما را دعوت به کفر میکند بر ما غضب کردند!

و به دنبال این بحثها همگی تصمیم بر کشتن آن پیامبر گرفتند، چاهی عمیق کردند و او را در آن افکندند و سر آن را بستند و بر بالای آن نشستند و پیوسته ناله او را شنیدند تا جان سپرد، خداوند به خاطر این اعمال زشت، و این ظلم و ستمها آنها را به عذاب شدیدی گرفتار کرد و نابود ساخت. (عیون اخبار الرضا(ع) طبق نقل و تلخیص تفسیر المیزان ج 15 ص 237)

13 و امام علی(ع)
در کتب تاریخی نیز آمده است که بنی امیه در جهت تخریب شخصیت شیعه و به خصوص حضرت علی (ع) اقدامات گسترده ای را انجام داده بود که خیلی از آنها هنوز هم در فرهنگ محاوره ای و ضرب المثلهای ما باقی مانده است. یک نمونه بارز این مطلب نحسی عدد 13 بود. آنها 13 رجب روز میلاد حضرت علی (ع) را عدد نحس و بدیمن بین مردم رواج دادند در حالیکه این عدد برای شیعیان مبارکترین عدد است.

حضرت علی (ع) در 13 رجب متولد شدند و اگر چنین روزی روز نحس می بود، خداوند متعال امیرالمومنین(ع) را با آن همه عظمت در خانه خود کعبه، به دنیا نمیفرستاد!

از این منظر باید شایسته است که بگوییم قطعا سیزده نحس است، اما نه برای مؤمنان، بلکه برای کافران و ظالمان و دشمنان عدالت پیشگی الهی امیرالمومنین امام علی(ع). بیگمان، حیدر کرار(ع)، میلادش برای همه جباران عالم همراه با نحوس و بدیمنی است، چرا که او و نسل طاهربنش تا امام عصر(عج) و دوستداران حقیقی شان قطعا نگذاشته و نخواهند گذاشت، که آب خوش از گلویشان دشمنان خدا پایین برود.

13 و حقیقتی قابل تأمل!
اعداد نیز مانند حروف (صداها) خلقت خداوند متعال هستند و خداوند علیم و حکیم هیچ مخلوق نحسی نیافریده است. از هستی و خیر محض، به جز خیر صادر نمی‌گردد. پس نحس بودن عدد 13 یا روز 13 و سایر موارد بیان شده، همه چیزی جز خرافه نیست.

ضمن آنکه اگر قرار بود عدد 13 نحس باشد، دلیلی نیست که فقط 13 فروردین نحس باشد، بلکه باید روز سیزدهم همه ماه‌ها و روزها نیز نحس باشد. لذا چنان چه بیان شد نه عدد نحسی وجود دارد و نه روز نحس. در قرآن کریم آیات مرتبط با سرنوشت و عذاب سخت قوم عاد با تعبیر نحوست همراه است. همانطور که در قرآن کریم می‌خوانیم که قرآن در شب مبارکی نازل شده (اِنَّ اَنْزِلَانَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُّبَارَكَةٍ / دخان، 3) درباره روزهایی که قوم عاد عذاب شدند هم تعبیر یوم نحس مستمر یا ایام نحسات در دو آیه (فصلت، 16 و قمر، 19) بیان شده است. نحس عنوان شدن روزهایی که قوم عاد در آنها عذاب شده‌اند یا مبارک دانستن شبی که در آن قرآن کریم نازل گشته نشان دهنده آن است که روزها به خودی خود (ذاتاً) نحس نیستند بلکه وقایع و رخدادها آنها را به این صفت مشهور می‌سازد. (ترجمه المیزان، ج 19، ص 117)

پس نحسی برخی از روزها که در قرآن کریم نیز تحت عناوین «ایام نحسات» و «یا نحس» از آن یاد شده است، به عملکرد منحوس یک قوم بر می‌گردد که نتیجه‌اش نزول بلا در آن روز (یا ایام) به آن قوم بوده است و برای آنان که معذب شده‌اند روز نحسی شد.

شهید بزرگوار علامه مطهری نیز در اینباره می‌گوید: «دو خاصیتی که در بشر هست سبب پیدایش فکر نحوست در اشیاء و اعداد شده است. یکی اینکه بشر به طور کامل خودخواه است... یعنی نمی‌خواهد مسئله شکستهای خودش را متوجه خودش بکند. همیشه دنبال این می‌گردد یک چیز دیگری پیدا کند و بگوید این بدی، این شکست، این بدبختی که پیدا شد؛ این من نبودم؛ این فکر من نبود... بشر برای اینکه از تقبل مسئولیتها فرار کند آمده است برای اشیاء برای چهارشنبه برای 13 برای... نحوست قائل شده است... خاصیت دیگر روح تنبلی است که در انسان می‌باشد. انسان وقتی بخواهد علت قضایا را بفهمد باید از طریق علمی و عقلی کاوش و تفکر و جستجو و تفحص کند تا علت واقعی اشیاء را درک کند. ولی با خیال همه قضایا را زود می‌شود حل کرد... با یک کلمه خودمان را راحت می‌کنیم می‌گوییم علت اینکه ما در این جنگ شکست خوردیم این بود که مثلاً در روز چهارشنبه شروع کردیم یا روز 13 بود... علامه مطهری مخالف بودن این عقیده را با قرآن بیان می‌کند که: قرآن کریم در آیات زیادی با کمال صراحت این مطلب را می‌گوید که منشأ فال بد هر شومی و نحوستی که وجود دارد خارج از وجود خود بشر نیست.

یعنی بشر ممکن است فکر و عقیده اش، فکر و عقیده شومی باشد، وقتی که فکر و عقیده اش سراسر خرافه و جهالت است شومی در جهالت است. شومی جز در اخلاق فاسد در جای دیگری نیست. شومی جز در اعمال پلید در چیزی نیست. استاد بعد از دلیل قرآنی روایتی در این باب نقل می‌کنند: پیغمبر اکرم در کمال صراحت فرمود: رفع عن امتی الطیره. (بحار، ج 2، ص 280) در امت من تطیر و فال بد وجود ندارد. خود پیغمبر اکرم اشیاء را به فال نیک می‌گرفت و هرگز فال بد نمی‌زد و از فال بد منع می‌کرد. فرمود هر وقت به دلت بد آمد با آمدن چیزی دلت چرکین شد اعتنا نکن مخصوصاً برو. (ورام، ج 1، ص 127) (پانزده گفتار، مطهری، صص 163 تا 166)

بحث ما درباره «ایام نحسات» دفاع از 13 است. این عددی که بدون ارتکاب هیچ جرم و جنایتی و بدون هیچ سابقه سوئی، این بشر ظالم ستمگر و این بشر جهول ظلوم - به تعبیر قرآن کریم - او را محکوم کرده و برای آن نحوست و شئامت قائل شده است... در میان همه اشیائی که بشر برای آنها شئامت و نحوست قائل است اعداد سهم بیشتری دارند. حال روی چه حسابی چه عرض کنم ولی در مجموع بشر در این مسئله بیشتر پایبند اعداد شده است و در میان اعداد هم از همه مظلوم‌تر و بیچاره‌تر و توسری‌خورتر، عدد 13 بوده است... 13 چه گناهی دارد؟... بدانید این مسائل مال اسلام نیست. ابداً، نه 13 ماه صفر نه غیر صفر. من حتی به تمام مدارک و اخبارش مراجعه کردم... هر روزی که مردمی به کیفر اعمال خودشان گرفتار شدند و در عقوبت اعمال خودشان دست و پا زدند بدانند در روز نحسی گرفتارند. (مجموعه آثار شهید مطهری، ج 25، ص 401)

سخن را با این جمله حکیمانه به پایان می‌بریم که: «سیزده بدر واقعی ما این است که از خانه‌های تنگ و تاریک افکار خرافاتی خودمان به صحرای دانش و بینش خارج شویم.» (مطهری، یادداشتها، ج 6، ص 131)